

# در گرمی‌داشت یاد و نام هوشنگ ابتهاج (سایه)

و سایه گستره ماندگار "سایه" بر گلستان شعر فارسی و بهنه‌ی عدالت‌خواهی  
کشورمان!

چهارشنبه، 10 اوت 2022 - 14:44

دفتر شورای مرکزی  
حزب چپ ایران  
(فدائیان خلق)



دریغا که با  
خاموش شدن  
شمع فروزان ۹۵  
سال عمر پربار  
هوشنگ ابتهاج،  
سایه، شاعر  
نامی کشورمان،  
آسمان هنرو ادب  
ایران از ستاره‌ی  
درخشان دیگری

خالی شد. این غزلسرای مشهور به ذوق لطیف، با نزدیک به هشتاد سال سرایش شعر و آفرینش‌هایی ماندگار، میراث ادبی بزرگی از خود به یادگار نهاده‌است. درگذشت هوشنگ ابتهاج، بسیاری را غرق ماتم نموده‌است که ارزش والای او را می‌شناختند و قدرش می‌گذاشتند.

"سایه"، تالی شایسته‌ی شهریار و شاگرد لایق نیما بود. از شاعران نام‌آور حلقه‌ای بود که دور نیما پدر شعر نو گرد آمده‌بودند. سرودن را از دهه‌ی پرتلاطم بیست آغاز کرد و در فراز و فرودهای دهه‌های بعدی، تا نفس آخر زندگی از سرایش‌های هر دم تازه باز نماند. عشق به مردم و رهایی انسان زحمتکش از قید جور، اعتراض به تبعیض، وصف زیبایی، بیزاری از ستم، آرزوی عدالت و ستایش آزادی همواره عصاره‌ی شعر او بود. سایه، در مصاحبه با مهرنامه گفت: " من به سلامت تئوری سوسیالیسم باور دارم. هنوز باور دارم که هیچ راهی جز سوسیالیسم پیش پای بشریت نیست". (مهرنامه شماره ۳۱) شکست‌ها، خللی در این باور او

ایجاد نکردند. پیوندهای فکری و عاطفی او با یاران دیرین‌اش هرگز قطع نشد. حسرت رفتن مرتضی کیوان تمام عمر با او بود.

در یک سالی که زندانی جمهوری اسلامی بود و تازیانه‌ی استبداد بی‌امان بر جسم و جان او فرود می‌آمد، در حسرت و غم یاران از دست رفته‌ی خویش، زمزمه‌های زیر لب بسیاری را در سینه اندوخت تا بعدها از مویه به فریاد برسد. "ارغوان" حاصل آن زمزمه‌های زندان بود. "سایه"، شاعر هستی و تلاش، شعرش با امید عجین بود. در هر شعر خود، به ویژه در نجوا با "ارغوان" - آن نشانه‌ی درخت زندگی شکفته در گل بهاری، به انتظار نور و گسست از تاریکی، از امید سراغ گرفت و پرسید: "ارغوان پنجه‌ی خونین زمین/ دامن صبح بگیر/ وز سواران خرامنده‌ی خورشید بپرس/ کی بر این دره‌ی غم می‌گذرند؟".

وداع با شاعر "گالیا" در جوانی، در درود مداوم وی به زندگی و زندگان معنی دارد؛ بدانگونه که خود او نیز پیشاپیش شعر جاودانه‌ی زندگی خویش را در چکامه‌ی "به سان رود" با این پیام مانا به پایان برده بود: "زمان بیکرانه را تو با شمار گام عمر ما مسنج/ به پای او دمی‌ست این درنگ درد و رنج/ بسان رود که در نشیب دره سر به سنگ می‌زند، رونده باش/ امید هیچ معجزی ز مرده نیست/ زنده باش!"

حزب چپ ایران یاد و نام هوشنگ ابتهاج را ارج می‌گذارد، «سایه»‌ی آشنای عام و خاص، در دفتر شعر و ادب فارسی برای همیشه ماندگار است. ما در زمره‌ی دوستداران و ارج‌گذاران او، در سوگ درگذشت "سایه"‌ی عزیز کنار خانواده و دوستداران او و جامعه فرهنگی کشورمان هستیم.

بدرود رهرو راه طولانی گذر از رنج‌های مردم این سرزمین! بدرود نغمه‌سرای عشق و امید به آینده، زبان زلال مردم آرزومند! بدرود سایه‌ی تنومند و ماندگار ادب و فرهنگ ایران!

**دفتر شورای مرکزی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)**

۱۹ مرداد ۱۴۰۱ - ۱۰ اوت ۲۰۲۲